سند سوم: الکافی (ط – الاسلامیه)؛ ج ۷؛ ص ۲٦

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّه ...

عادی سازی سند

۱- تحویل (عطف)

تعیین معطوف علیه در عطف اول

در عبارت «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ» باید ببینیم که آیا علی بن ابراهیم هم داخل در معطوف علیه می باشد یا نمی باشد. برای این منظور باید رابطه استاد و شاگردی را بین علی بن ابراهیم و محمد بن اسماعیل بررسی کنیم. اگر رابطه استاد و شاگردی وجود داشت، علی بن ابراهیم داخل در معطوف علیه نمی باشد.

«علی بن ابراهیم عن محمد بن اسماعیل» را در نرم افزار جامع الاحادیث با دامنه‌ی کتب اربعه جستجو کردیم و حتی یک مورد هم نیافتیم.

برای اطمینان «علی بن ابراهیم ← محمد بن اسماعیل» را جستجو کردیم که همه مواردی که یافت شد به صورت عطف بود.

در نتیجه علی بن ابراهیم داخل در معطوف علیه می باشد.

تعیین معطوف

باید ببینیم که آیا فضل بن شاذان داخل در معطوف است یا نه؛ پس رابطه استاد و شاگردی را بین ابیه (ابراهیم بن هاشم) و فضل بن شاذان بررسی کنیم.

« ابراهیم بن هاشم عن الفضل بن شاذان» را جستجو کردیم و هیچ موردی یافت نشد.

«ابیه عن الفضل بن شاذان» را جستجو کردیم و فقط یک مورد یافتیم که قابل اعتنا نیست و احتمال تصحیف در آن می رود.

پس بین این دو رابطه استاد و شاگردی نیست و فضل بن شاذان داخل در معطوف می باشد.

تعیین معطوف علیه در عطف دوم

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ

با توجه به اینکه ابوعلی به صورت مرفوع آمده است پس به محمد بن اسماعیل عطف شده است.

تعیین معطوف

رابطه استاد و شاگردی را بین فضل بن شاذان و محمد بن عبدالجبار بررسی می کنیم.

«الفضل بن شاذان عن محمد بن عبد الجبار» را جستجو کردیم یک مورد هم یافت نشد. برای اطمینان «الفضل بن شاذان ← محمد بن عبد الجبار» را جستجو کردیم که همه به صورت عطفی بود.

پس محمد بن عبد الجبار داخل در معطوف می باشد.

حال رابطه استاد و شاگردی را بین فضل بن شاذان و صفوان بررسی می کنیم.

«الفضل بن شاذان عن صفوان» را جستجو کردیم و موارد بسیاری را یافتیم پس صفوان داخل در معطوف نمی باشد.

پس تا اینجا نتیجه می گیریم که سه طریق وجود دارد:

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ
۲- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ
۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ

البته با توجه به اینکه علی بن ابراهیم و محمد بن اسماعیل و ابو علی الاشعری از مشایخ مرحوم کلینی می باشند، وجود این سه طریق قابل پیش بینی بود.

این سه طریق به «عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ» منتهی می شود. حال عطف موجود در این عبارت را بررسی می کنیم:

تعیین معطوف در عطف سوم

رابطه استاد و شاگردی را بین صفوان و عبد الرحمن بن حجاج بررسی می کنیم.

« صفوان عن عبد الرحمن بن الحجاج» را جستجو می کنیم ۱۱۶ مورد یافتیم که نشان دهنده وجود رابطه استاد و شاگردی بین این دو می باشد و در نتیجه عبد الرحمن بن الحجاج داخل در معطوف نمی باشد.

پس عطف سوم خود بیانگر دو طریق است:

۱- صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ
۲- ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ

پس در مجموع ۶=۳*۲ سند خواهیم داشت:

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عن صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ
۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عن ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ
۳- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عن صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ
٤- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عن ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ
۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عن صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ
٦- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عن ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ

تعلیق و اضمار و اشاره هم در سند وجود ندارد.

تحریف زدایی سند

روابط استاد و شاگردی را بررسی می کنیم:

۱- علی عن ابیه

در سند اول بررسی شد و رابطه استاد و شاگردی بین این پدر و پسر وجود دارد.

۲- ابیه عن صفوان

«علی بن ابراهیم عن ابیه عن صفوان» را جستجو می کنیم ۳۳ مورد یافت شد که نشان می دهد بین ابیه (ابراهیم بن هاشم) و صفوان رابطه استاد و شاگردی وجود دارد.

۳- صفوان عن عبد الرحمن

در بررسی عطف و معطوف مشخص شد که رابطه استاد و شاگردی بین این دو وجود دارد.

٤- أبيه عن ابن أبي عمير

«علی بن إبراهیم عن أبیه عن ابن أبی عمیر» را جستجو می کنیم ۲۳۴۹ مورد یافتیم که با بررسی موارد مشخص شد که رابطه استاد و شاگردی بین این دو وجود دارد.

ابن أبي عمير عن عبد الرحمن بن الحجاج

«ابن أبی عمیر عن عبد الرحمن بن الحجاج» را جستجو کرده و ۱۱۷ مورد یافتیم که با ملاحظه آن ها مشخص شد رابطه استاد و شاگردی بین این دو وجود دارد.

محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان

«محمد بن إسماعیل عن الفضل بن شاذان» را جستجو می کنیم ۶۴۲ مورد یافتیم که با بررسی مشخص شد که رابطه استاد و شاگردی بین این دو وجود دارد.

الفضل بن شاذان عن صفوان

«الفضل بن شاذان عن صفوان» را جستجو کرده ۱۶۷ مورد یافتیم و با ملاحظه موارد مشخص شد که رابطه استاد و شاگردی بین این دو وجود دارد.

الفضل بن شاذان عن ابن أبي عمير

«الفضل بن شاذان عن ابن أبی عمیر» را جستجو می کنیم ۱۴۹ مورد پیدا شد که با ملاحظه آن ها به رابطه استاد و شاگردی بین این دو پی می بریم.

أبو علي الأشعري عن محمد بن عبد الجبار

«أبو علی الأشعری عن محمد بن عبد الجبار» را جستجو می کنیم ۵۵۸ مورد پیدا شد که با ملاحظه آن ها به رابطه استاد و شاگردی بین این دو پی می بریم.

محمد بن عبد الجبار عن صفوان

«محمد بن عبد الجبار عن صفوان» را جستجو می کنیم ۵۰۲ مورد پیدا شد که با ملاحظه آن ها به رابطه استاد و شاگردی بین این دو پی می بریم.

محمد بن عبد الجبار عن ابن أبي عمير

«محمد بن عبد الجبار عن ابن أبی عمیر» را جستجو می کنیم هیچ موردی نیافتیم.

« محمد بن عبد الجبار ← ابن أبی عمیر» را در کتب قبل از سال ۵۰۰ جستجو می کنیم ۸ مورد یافتیم که با ملاحظه آن ها مشخص شد که محمد بن عبد الجبار در سه مورد بدون واسطه از ابن ابی عمیر نقل می کند.

در سه مورد هم با واسطه صفوان از ابن ابی عمیر نقل می کند.

در دو مورد هم با واسطه محمد بن اسماعیل از ابن ابی عمیر نقل می کند.

نقل بدون واسطه از ابن ابی عمیر فقط سه مورد است که اگر بیشتر بود می توانستیم بدون تردید حکم به عدم تحریف کنیم.

نقل با واسطه‌ی صفوان هم سه مورد است که اگر بیشتر بود حکم به تصحیف می کردیم و می گفتیم عن تبدیل به واو شده و صحیح آن این چنین است: صفوان عن ابن ابی عمیر؛ اما برای اثبات تحریف این سه مورد کافی نیست.

پس نظر قطعی نمی توان داد اما به احتمال بالا تحریفی در سند نیست و وجود سه روایت محمد بن عبدالجبار از ابن ابی عمیر در چنین شرایطی برای ما کافی است تا حکم به عدم تصحیف کنیم. زیرا با سه مورد نقل با واسطه نمی توان حکم به تصحیف کرد. و وقتی امر دائر بین این دو شد و تصحیف را نفی کردیم، عدم تصحیف قوت خواهد داشت.

تبیین سند

جهت تمییز مشترکات و همچنین به دست آوردن نام کاملتر راویان که بتوانیم در کتب رجالی به آن ها رجوع کنیم، نام کامل تر راویان را بررسی می کنیم:

علی بن ابراهیم

در سند اول بررسی شد که «عَلِیُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ الْقُمِّی» می باشد.

ابیه

در سند اول بررسی شد که «ابراهیم بن هاشم القمی» می باشد.

صفوان

« علی بن ابراهیم عن ابیه عن صفوان بن» را جستجو می کنیم مشخص می شود که صفوان بن یحیی می باشد.

ابن ابی عمیر

«علی بن إبراهیم عن أبیه ← بن أبی عمیر» را جستجو کرده و با ملاحظه نتایج مشخص می شود که نام او محمد بن ابی عمیر می باشد.

محمد بن اسماعیل

« (محمد بن إسماعیل ← الفضل بن شاذان) &! (محمد بن اسماعیل عن)» را در تمام کتب جستجو می کنیم و ملاحظه می شود که «محمد بن إسماعیل البندقی النیسابوری» از فضل بن شاذان روایت می کند.

الفضل بن شاذان

«(الفضل بن شاذان← صفوان) &! (الفضل بن شاذان عن)» را جستجو می کنیم و مشخص می شود که منظور الفضل بن شاذان النیسابوری می باشد.

ابو علی الاشعری

باید نام این کنیه را پیدا کنیم. در واقع نام کامل او فلان بن فلان ابو علی الاشعری می باشد.

با توجه به اینکه معمولا در اول سند می باشد «(بن ← ابو علی الاشعری)» را جستجو می کنیم تا ببینیم نتیجه ای می گیریم ملاحظه شد که نام کاملش « أحمد بن إدریس بن أحمد، أبو علیّ الأشعری القمّی» می باشد.

ارزیابی راویان سند

علی بن ابراهیم بن هاشم القمی

در سند اول بررسی شد و مشخص شد که ثقه و امامی می باشد.

ابراهیم بن هاشم القمی

در سند اول بررسی شد و مشخص شد که ثقه و امامی می باشد.

صفوان بن یحیی

جزء مشایخ ثلاث می باشد. در صفحه ۱۹۷ رجال نجاشی آمده است:

۵۲۴ صفوان بن یحیی أبو محمد البجلی بیاع السابری،

کوفی، **ثقة ثقة، عین**. ...

عبد الرحمن بن الحجاج

در رجال النجاشی، صفحه ۲۳۸ آمده است:

۶۳۰ عبد الرحمن بن الحجاج البجلی

مولاهم، کوفی، بیاع السابری، سکن بغداد، و رمی بالکیسانیة،

روی عن أبی عبد الله و أبی الحسن علیهما السلام، و بقی بعد أبی الحسن علیه السلام و رجع إلی الحق و لقی الرضا علیه السلام، و **کان ثقة ثقة، ثبتا، وجها**،

محمد بن ابی عمیر

از اصحاب اجماع و مشایخ ثلاث می باشد. در صفحه ۳۶۵ رجال شیخ طوسی آمده است:

۵۴۱۳- ۲۶ محمد بن أبی عمیر،

یکنی أبا أحمد، و اسم أبی عمیر زیاد، مولی الأزد، **ثقة**.

محمد بن إسماعیل البندقی النیسابوری

در صفحه ۳۳۰ رجال نجاشی آمده است:

۸۹۳ محمد بن إسماعیل بن بزیع

أبو جعفر مولی المنصور أبی جعفر، و ولد بزیع بیت، منهم حمزة بن بزیع. کان من **صالحی هذه الطائفة و ثقاتهم، کثیر العمل**

الفضل بن شاذان النیسابوری

در رجال نجاشی، صفحه ۳۰۷ آمده است:

۸۴۰ الفضل بن شاذان بن الخلیل أبو محمد الأزدی النیشابوری (النیسابوری)

کان أبوه من أصحاب یونس، و روی عن أبی جعفر الثانی، و قیل [عن] الرضا أیضا علیهما السلام و کان **ثقة**، أحد أصحابنا الفقهاء و المتکلمین. و له جلالة فی هذه الطائفة، و هو فی قدره أشهر من أن نصفه

أحمد بن إدریس بن أحمد، أبو علیّ الأشعری القمّی

در رجال نجاشی، صفحه ۹۲ آمده است:

۲۲۸ أحمد بن إدریس بن أحمد أبو علی الأشعری القمی

کان **ثقة**، فقیها، فی أصحابنا، کثیر الحدیث، صحیح الروایة

محمد بن عبد الجبار

در صفحه ۱۴۲ رجال علامه حلی آمده است:

۲۵ محمد بن عبد الجبار

و هو ابن أبی الصهبان بالصاد المهملة المضمومة و الباء المنقطة تحتها نقطة و النون أخیرا قمی من أصحاب أبی الحسن الثالث الهادی علیه السلام **ثقة**.

ارزش گذاری سند

با توجه به اینکه همه راویان ثقه و امامی بودند، روایت از هر شش طریق صحیحه می باشند.